

حبیب الله و جمشید آموزگار

محمد قربانی

<http://www.irdc.ir/fa/content/15972/default.aspx>

حضور حبیب الله آموزگار در مجلس سنای دوم و سوم و نفوذش در دربار شاه به خصوص نزد منوچهر اقبال و به علاوه روابط حسنه اش با محافل رسمی آمریکایی موجب آن گردید که پسرش جمشید آموزگار بسیار سریعتر از دیگران از شرایط سود برده و با درک نگرش گروهی از زمامداران از جمله منوچهر اقبال که تمایلی به همکاری با تحصیل کرده های آمریکا داشت و نزدیک شدن به آنها، راه پیشرفت را سریعتر از بسیاری دیگر در پیش بگیرد.

حبیب الله آموزگار

حبیب الله آموزگار اهل اصطهبانات فارس و از شخصیت های فرهنگی و صاحب تالیفات متعددی بود. وی در عرصه سیاست در عصر سلطنت رضا و محمد رضا پهلوی عهده دار مسئولیت های مهمی بود. در مجلس مؤسسان عضویت داشت و در دوره های دوم و سوم مجلس سنا از اعضای آن بود، و مدت کوتاهی هم در کابینه حسین علا در سال ۱۳۳۰ سمت وزارت فرهنگ را بر عهده داشت. به علاوه از اعضای حزب رادیکال و عضو کمیته مرکزی حزب ملیون محسوب میشد. حضور حبیب الله آموزگار در مجلس سنای دوم و سوم و نفوذش در دربار شاه به خصوص نزد منوچهر اقبال و به علاوه روابط حسنه اش با محافل رسمی آمریکایی موجب آن گردید که پسرش جمشید آموزگار بسیار سریعتر از دیگران از شرایط سود برده و با درک نگرش گروهی از زمامداران از جمله منوچهر اقبال که تمایلی به همکاری با تحصیل کرده های آمریکا داشت و نزدیک شدن به آنها، راه پیشرفت را سریعتر از بسیاری دیگر در پیش بگیرد. (جمشید آموزگار به روایت اسناد ساواک ۱۳۸۲ صفحه ۹)

بی تردید جایگاه سیاسی و علمی حبیب الله آموزگار در نزد مقامات آن عصر تأثیر فراوانی در ارتقای فرزند تحصیل کرده اش در نزد مرکز نشینان داشته است.

جمشید آموزگار

جمشید آموزگار در سال ۱۳۰۲ شمسی در تهران و در خانواده ای نسبتاً معروف و متنفذ به دنیا آمد. وی پس از انجام تحصیلات مقدماتی، در زمان جنگ جهانی دوم با یک کشتی باری از طریق بندرعباس به آمریکا رفت و در آنجا به تحصیلات دانشگاهی پرداخت. آموزگار در سال ۱۳۳۰ به ایران بازگشت و در اداره اصل چهار ترومن که تازه در ایران تاسیس شده بود شروع به کار کرد و در این اداره به ریاست قسمت مهندسی بهداشت رسید. در سال ۱۳۳۴ دکتر جهانشاه صالح وزیر وقت بهداری او را به معاونت این وزارتخانه انتخاب کرد و این نقطه آغاز ترقی او در تشکیلات اداری کشور به حساب می آید. جمشید آموزگار نخستین بار در سال ۱۳۳۷ در کابینه دکتر اقبال ابتدا به سمت وزیر کار و سپس به سمت وزیر کشاورزی معرفی شد. در کابینه منصور و اولین کابینه هویدا نیز وزارت بهداری را بر عهده داشت.

در نخستین ترمیم کابینه هویدا از وزارت بهداری به وزارت دارایی نقل مکان کرد و تا اوایل سال ۱۳۵۳ یعنی قریب ۹ سال وزیر دارایی بود. (طلوعی ۱۳۷۶ صفحه ۵۴۰)

گروگان گیری در مقر اوپک

آموزگار در کنار کارهای مربوط به وزارت دارایی، ریاست هیات نمایندگی ایران در سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) را نیز بر عهده داشت. (طلوعی ۱۳۷۶ صفحه ۵۴۱)

شاید بتوان گفت یکی از جذاب ترین روزهای زندگی جمشید آموزگار روز ۲۰ آذر ۱۳۵۴ بود. در این روز که اجلاس شورای وزیران اوپک در وین تشکیل شده بود، یک گروه تروریستی به ریاست کارلوس (تروریست اهل ونزوئلا) به محل بر گزاری این جلسه حمله کردند. تروریستها موفق شدند افراد حاضر در جلسه را گروگان بگیرند، و حتی چند تن از اعضای کادر اداری اوپک را نیز به قتل رساندند. این حادثه در نهایت با پرداخت باج به گروگان گیران به پایان رسید.

آموزگار و حزب رستاخیز

در اسفند ماه سال ۱۳۵۳ که شاه تشکیل حزب واحد رستاخیز را اعلام کرد، وظیفه انجام انتخابات رستاخیزی هم بر عهده آموزگار گذاشته شد. (طلوعی ۱۳۷۶ صفحه ۵۴۱)

آموزگار در سال ۱۳۵۵ از طرف شاه به عنوان دبیر کل حزب رستاخیز برگزیده شد. و در همین عنوان بود که در حاشیه سفر به کنفرانس شمال و جنوب در پاریس با «سایروس ونس» وزیر خارجه کارتر دیدار کرد و با او آشنا شد و شاید در جریان همین سفر بود که وی از نظر آمریکا به عنوان یک مهره مطلوب برای احراز پست نخست وزیری در ایران مورد شناسایی قرار گرفت.

نخست وزیری آموزگار

از اوایل مرداد ماه سال ۱۳۵۶ که تغییر دولت هویدا قطعی به نظر میرسید، نام دو نفر برای جانشینی وی بر سر زبانه افتاد، اول دکتر جمشید آموزگار که طولانی ترین سابقه وزارت را در ایران داشت و از سال ۱۳۳۷ به بعد قریب بیست سال در کابینه های مختلف به ترتیب وزیر کار، وزیر کشاورزی، وزیر بهداری، وزیر دارایی و وزیر کشور بود و از آبان ماه سال ۱۳۵۵ نیز بعد از انتخاب شدن به سمت دبیر کل حزب رستاخیز، عنوان وزیر مشاور آخرین کابینه هویدا را داشت. دوم هوشنگ انصاری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، که قبل از آن وزیر اطلاعات و وزیر اقتصاد و مدتی نیز سفیر کبیر ایران در آمریکا بود. (طلوعی ۱۳۷۶ صفحه ۵۳۹)

در مرداد ماه سال ۱۳۵۶ نام هوشنگ انصاری بسیار بیشتر از جمشید آموزگار بر سر زبان ها بود. و حتی عده ای پس از شنیدن خبر استعفای هویدا، به خیال اینکه انصاری نخست وزیر خواهد شد، خانه و دفتر او را گل باران کردند. اما «شاه بر خلاف تمام این حدس و گمانها، جمشید آموزگار را برای نخست وزیری برگزیده بود. و قبل از اینکه به هویدا تکلیف استعفا کند، از آموزگار خواسته بود اعضای کابینه خود را تعیین نماید.» (طلوعی ۱۳۷۶ صفحه ۵۴۰)

جمشید آموزگار در سن ۵۴ سالگی در سال ۱۳۵۶ پست نخست وزیری را پس از استعفای هویدا عهده دار شد. پس از اینکه وی به نخست وزیری رسید، تقریباً نیمی از وزرای کابینه اش توسط شخص شاه انتخاب شدند، که این امر

نشانه تمکین بی چون و چرای آموزگار در برابر شاه بود. بیشتر وزیرانی که شاه برای کابینه آموزگار انتخاب کرده بود، سابقه عضویت در کابینه هویدا را نیز داشتند، که همین امر زمینه ساز ایجاد مشکلاتی در دوران نخست وزیری آموزگار شد. از جمله این افراد، هوشنگ انصاری (رقیب آموزگار در به دست آوردن پست نخست وزیری) بود که در کابینه وی نیز به مانند دوران هویدا، وزارت امور اقتصادی و دارایی را بر عهده داشت.

حوادث مهم این زمان

در همین زمان نخست وزیری جمشید آموزگار است که چندین اتفاق سرنوشت ساز برای رژیم پهلوی رخ میدهد، اعلام فضای باز سیاسی توسط شاه، سفر شاه به آمریکا و تظاهرات مخالفان شاه در آمریکا، شهادت سید مصطفی خمینی در آبان ماه ۱۳۵۶، سفر کارتر به ایران در دی ماه ۱۳۵۶، برگزاری جشن هنر در شیراز، درج مقاله توهین آمیز به ساحت روحانیت در روزنامه اطلاعات (با امضای احمد رشیدی مطلق)، تظاهرات مردم قم در اعتراض به این مقاله و سرکوب حرکت مردم قم توسط دژخیمان رژیم (که خود زمینه ساز قیام هایی در شهرهای دیگر کشور شد)، آتش سوزی در سینما رکس آبادان و...

احمد رشیدی مطلق

«ایران و استعمار سرخ و سیاه» این عنوان مقاله ای بود که در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۱۷ در روزنامه اطلاعات با امضای مستعار "احمد رشیدی مطلق" به چاپ رسید. این مقاله که در آن به روحانیت و به خصوص حضرت امام توهین شده بود، همانند جرقه ای آتش خشم مردم انقلابی را بر افروخت، و زمینه ساز اعتراضات گسترده ای در سطح کشور شد.

«با انتشار مقاله یاد شده، طلاب علوم دینی و اهالی شهر قم در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ به عنوان اعتراض، به تظاهرات گسترده ای دست زدند که اقدام نیروهای امنیتی در جهت سرکوبی و جلوگیری از آن موجب به شهادت رسیدن و زخمی شدن تعدادی از تظاهر کنندگان شد. شهر تبریز در ۲۹ بهمن همان سال، همزمان با برپایی مراسم چهلم شهدای قم، شاهد تظاهراتی خونین بود. پس از تبریز، اعتراضات خونین دیگری در شهرهای تهران، مشهد، یزد، اصفهان و شیراز برگزار شد.» (دهمرد ۱۳۸۳ صفحه ۲۴)

جشن هنر شیراز

فاجعه بارترین اتفاقی که در دوران نخست وزیری جمشید آموزگار در کشور رخ داد، اجرای جشن هنر شیراز بود که به طور مستقیم زیر نظر فرح برگزار میشد. در یکی از قسمتهای این جشن، در نمایشی با عنوان خوک، بچه، آتش، عمل شنیع تجاوز جنسی توسط بازیگران این نمایش در ملأ عام انجام شد، که خشم و انزجار افشار مختلف مردم را برانگیخت و زمینه را بیش از پیش برای سقوط حکومتی فراهم کرد که حاکمانش به هیچ عنوان متوجه نبودند در فضایی تنفس میکنند که خاک کشورشان میزبان پیکر پاک پسر فاطمه (س) است، و حرمت این مهمان عزیز را باید نگاه داشت.

فضای باز سیاسی

دوران جمشید آموزگار مصادف بود با اعلام سیاست فضای باز سیاسی محمد رضا شاه. در راستای اجرای این سیاست، محمد رضا شاه که هم نگران سیاست خارجی و هم نگران سیاست داخلی بود، در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۶، هویدا را پس از دوازده سال و نیم نخست وزیری، به وزارت دربار منصوب کرد و جمشید آموزگار، وزیر دارایی که سال ها

رییس هیأت نمایندگی ایران در اوپک و شخصیتی شناخته شده در محافل بین المللی بود را به نخست وزیر منصوب کرد و اعلام کرد که فضای باز سیاسی مورد تأیید وی است، مشروط بر آنکه به فرو پاشی مملکت منتهی نشود. (دهمده ۱۳۸۳ صفحه ۲۲)

ریاضت اقتصادی

یکی از اقداماتی که آموزگار انجام داد اجرای سیاست ریاضت اقتصادی بود. اما این امر نتوانست سبب بهروزی مجریانش شود، زیرا «سیاست ریاضت اقتصادی دولت بر خلاف آنچه مجریان این سیاست تصور میکردند، موجب مهار تورم نشد و گرانی روز افزون بهای کالاها و مواد مصرفی دامنه نارضایتی ها را گسترش داد» (طلوعی ۱۳۷۶ صفحه ۵۴۵)

استعفای جمشید آموزگار

سازمان اطلاعات آمریکا (C.I.A) در اوت ۱۹۷۸ (مرداد ۱۳۵۷) اعلام کرد ایران در وضع انقلاب، یا حتی ما قبل انقلابی قرار دارد. بنابراین شاه با توصیه ی آمریکا برای مقابله با روند رو به افزایش مخالفت های مردمی، در پنجم شهریور ۱۳۵۷ شریف امامی را به جای جمشید آموزگار به نخست وزیر منصوب کرد. (ملک محمدی ۱۳۸۵ صفحه ۱۶۹)

جمشید آموزگار در تاریخ چهارم شهریور ۱۳۵۷ (یک هفته پس از حریق در سینما رکس آبادان) استعفای خود را تقدیم شاه کرده بود و شاه نیز استعفای او را پذیرفته بود. دکتر جمشید آموزگار در دی ماه سال ۱۳۵۷ برای همیشه ایران را ترک کرد و رحل اقامت در آمریکا افکند.

منابع

- ۱- طلوعی، محمود (۱۳۷۶). بازیگران عصر پهلوی (از فروغی تا فردوست). تهران: نشر علم
- ۲- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۲). جمشید آموزگار به روایت اسناد ساواک. تهران
- ۳- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۵). ژاندارم و ژنرال (نگاهی به روابط ایران و آمریکا در دوره پهلوی دوم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۴- دهمده، برات (۱۳۸۳). دولت بختیار و تحولات انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی